

تشویق کردن

فیلبیان 2, 4-1



آیا در اتحاد با مسیح دلگرم هستید؟ آیا محبت، محرک اصلی زندگی شماست؟ آیا با روح القدس مصاحبت دارید؟ و آیا احساس مهر و شفقت در بین شما وجود دارد؟ 2 پس تقاضا می‌کنم خوشی مرا به کمال رسانید و با هم توافق فکری، محبت دوجانبه و هدف مشترک داشته باشید. 3 هیچ عملی را از روی هم چشمی و خودخواهی انجام ندهید، بلکه با فروتنی، دیگران را از خود بهتر بدانید. 4 به نفع دیگران فکر کنید و تنها در فکر خود نباشید

بالاخره تعطیلات شروع شد! کودکان با خوشحالی و فریاد بزرگ، به تعطیلات رفته اند. بعضی از آنها نمی‌توانند صبر کنند تا به خانه بروند چون آنها با گواهی رضایت خود را بگیرند و به مدرس خود ارائه دهند. بعضی از پدربزرگها و مادربزرگها چندین یوروها به عنوان پاداش به آنها می‌دهند. برای خبرخوب مادران و پدران ممکن یک بستنی بسیار بزرگ با فرزندان خود می‌خریدند. همه بچه‌ها نمی‌توانند منتظر گواهی خوب باشند. همچنین برخی از کسانی که گواهی بدی هستند. این کودکان احساس خجالت می‌کنند. آنها با طغیان یا حتی با ناامیدی به خانه باز خواهند گشت.

همه ما می‌دانیم چقدر یک گواهی بد شوک‌آور است. این مدرک می‌تواند ما را افسرده بسازد. آن مدرک هم می‌تواند امید را از بین ببرد. در نهایت، کودک نمی‌تواند هیچ کار خوبی انجام بدهد. اما این مدرک بد هم خوب است و می‌تواند به کودک کمک کند. برای والدین چیز خیلی مهم این است: آن هم که کودکان اعتماد به نفس خود را از دست ندهند. ممکن کودک از اشتباهات خود چیزی جدیدی یاد بگیرند. هیچ کسی از جمله "شما هرگز موفق نخواهد شد..." چیز خوب یاد نگرفته. این جمله نیز برای ما بزرگسالان بد است. ما به کسی احتیاج داریم، که می‌تواند تشویق کند. چه کسی راه را نشان می‌دهد که ما بر طبق آن عمل چه کسی ما را تشویق می‌کند که ما بتونیم راه خوب پیدا کنیم.

پولس به فیلبیان به عنوان یک معلم خوب یک مدرک گوهی را می‌نویسد. گواهی او اولین خلاصه‌ای از کار جمعات فیلبیان بود: چه چیزی در مورد شما خوب است؟ چه چیزی است که بهتر از گذشته می‌توانید انجام خواهید داد؟ جامعه‌ی مونتاژ در فیلبیان می‌تواند خوشحال باشد. پولس به او شهادت خوب داد. هنگام گوش دادن، افکرش به عقب سرگردان می‌شود. این چندان دور نبود، که رسول پولس در سفر به آنها آمد. وضعیت اولیه کلیسا در آنجا آسان نبود. در اینجا در شهر فیلبیان چند فرهنگهای متفاوت وجود دارند، برای آنها تقریباً همه چیز امکان پذیر بود. معبدها دیگری در هر گوشه خیابانی وجود دارند. اما ایمان آنها و زندگی روز مراه دور افتاده بود. تحمل به معنای اینجا بود - همه باید با توجه به نسخه خود را نجات می‌دادند. پولس در اینجا، برای اولین بار در خاک اروپا، موعظه کرد. دو رویداد به طور خاصی در اعمال اتفاق خواهد بود. اول، اعمال مهم برجسته فروشنده بنفش به نام لیدیا، که می‌تواند با خدمات خانه خود یک جامعه مسیحی صمیمی را آغاز کند. دومین زندانیان بود که پولس و سیلاس او را می‌توانند از خودکشی نجات دهند... پس از آن، تمام خانه اش تعمیر داد. این ارتباط در فیلبیان انجام دادند. با پولس ارتباط خاصی داشت. پولس در نامه‌ای به فیلبیان در مورد ایمان به مسیح و عشق واقعی، و در مورد میوه ایمان، بسیار مثبت صحبت می‌کند. با این حال، ما نمی‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که در یک کلیسای خوب، مانند فیلبیان، فقط صلح و هماهنگی وجود دارد.

آیا در اتحاد با مسیح دلگرم هستید؟ آیا محبت، محرک اصلی زندگی شماست؟ آیا با روح القدس مصاحبت دارید؟ و آیا احساس مهر و شفقت در بین شما وجود دارد؟ 2 پس تقاضا می‌کنم خوشی مرا به کمال رسانید و با هم توافق فکری، محبت دوجانبه و هدف مشترک داشته باشید

با کلامهای خوشی مرا به کمال رسانید، من یک انتقاد خیلی کمی از جامعه می‌شنوم. دو زن به نام *Euodia* و *Syntyche* در اختلاف قرار گرفتند. تمام این رویداد پولس در فصل 4 به طور خلاصه توضیح داده شده بود. اختلاف بین *Euodia* و *Syntyche*، کل جامعه را در فیلبیان در اختلاف قرار داده اند. به همین دلیل است که پولس می‌نویسد: من از این سخنان پولس شگفت زده شده‌ام چقدر رسول: نزدیک به مسیحیان ما امروز است. در طول زندگی من به عنوان یک کشیش، چیزی را که رسول به آن اشاره کرد، تجربه کردم. از اول همه چیز در کلیسا خوب است... تا زمانی که یک مبارزه می‌آید. ابتدا سوء تفاهم کمی، سپس یک بحث پشت سر دیگران... سپس اختلافات شروع می‌شود. بعدها مردم دیگر نمی‌توانند

یکدیگر را ببینند. آنها از هر تماسی اجتناب می کنند. اوه، اینقدر غم انگیز است که در میان مسیحیان این کار اتفاق می افتد! شر یک مارییچ است که می تواند کل کلیسا را از بین ببرد. در نهایت حتی ایمان به مسیح حمله قرار می گیرد. پولس بسیار در مورد این چیز هشدار داد. و گفت: ما باید یک ذهن داشته باشیم. این جمله به معنی نیست که ما در مورد هر چیزی یک دیدگاه داریم. این بدان معنا نیست که ما هرگز نباید با هم بحث نکنیم. با این حال، این بدان معناست که ما با هم ایستاده و معنی را در مورد مهمترین یک ذهن می دانیم، یعنی جایی که مسیح نگران است ما همه یکی هستیم. و این مرکز را از مسیح نیز یاد می گیریم که با تمام نظرات و تمام تفاوتها ایمان می توانیم زندگی کنیم. بسیاری از مردم در جامعه ما گرد هم آمده اند. حتی اعضای کلیسا از ایران همیشه از همان فرهنگی یکسان ندارند. آداب و رسوم مختلفی وجود دارند. گاهی اوقات تجربیات مختلف در تاریخ زندگی انسان هست. دوره آموزشی نیز متفاوت است. و در اینجا در آلمان نیز ما مسیحیان را از یک فرهنگی کاملاً متفاوت می بینیم. بعضی اوقات ادغام شدن این افراد بسیار متفاوت به خوبی کار کرده است. گاهی اوقات نه. اما یک چیز برای اطمینان وجود دارد: اغلب چیزی وجود دارد که از سخنان پولس آمد: "... محبت دوجانبه و هدف مشترک داشته باشید. پولس در شهادتش به جامعه فیلیپینان نه تنها می گوید که چه چیزی را می تواند بهتر انجام می دهند، اما هم چنین نشان می دهد چگونه این اتفاق می افتد. با فروتنی..

هیچ عملی را از روی هم چشمی و خودخواهی انجام ندهید، بلکه با فروتنی، دیگران را از خود بهتر بدانید

فروتنی ویژگی های مهم مسیحیت از زمان آغاز کلیسای مسیحی بوده است. در عین حال، فروتنی کردن این کلمه، به یک کلمه بد تبدیل شده است. گاهی اوقات یک کلمه را با یک نوع برده داری متصل می کند. همیشه با دیگران نگرش سرسپردگی داریم ... این کار تنها باعث خنده می شود، زیرا به ندرت به معنای صادق بودن نیست. اما آنچه پولس به معنی چیزی کاملاً متفاوت است. فروتنی یک نگرش است که ما خود را به عنوان یک انسان پیش خدا دیده شناختیم. آدم و حوا می خواستند خودشان را پیش خدا مقایسه کنند. این مخالف فروتنی است. در فروتنی، ما اقرار می کنیم که خدا خالق ما است؛ ما اذعان می کنیم که عیسی ما را نجات داده است؛ و ما زندگی جدید را از طریق روح القدس دریافت می کنیم. این نگرش فقط ما را از هر دلبستگی آزاد می کند. این کار خدا باعث می شود که ما از آنچه که دیگر در مورد ما فکر می کنند احساس عصبانیت نکنیم. هنگامی که یک انسان برای خود مبارزه می کند. اگر او به طور کامل خودخواه باشد. او تنها توجه خود را دنبال می کند و به همین دلیل دائماً دیگران را دفع می کند، این فرد خودش آسیب می بیند و به این دلیل به دیگران آسیب می رساند. او می خواهد کاری انجام دهد که در واقع درست نیست. او در واقع به دنبال چه چیزی است؟ او در تلاش است تا نهایتاً به حق خود برسد. او همیشه احساس می کند دیگران نسبت به او ظالم می کند، به همین دلیل او بی رحم شده است. و می خواهد همه را به زور قانون سرکوب کند. یک نمونه به شما بدهم: یک پدر می فهمد که دخترش رابطه ای با کافر دارد. او چکر می کند؟ چه اتفاقی برای دخترش می افتاد؟ نقض افتخار خانواده اش. بنابراین، او از نیروی زور استفاده می کند و می خواهد با این کار می خواهد حق او را بگیرد. او مجبور است که زندگی دخترش را درست کند. آنچه در این داستان اتفاق افتاده. مانند نوک کوه یخ است. چنین شخصی دخترش را کشته است. و به همین دلیل بی عدالتی بسیار بیشتر می شود. آیا داستان مثل نخستین قتل با هابیل و قابیل آغاز نشد؟ از طریق مسیح، راه دشوار به شر به پایان رسیده است. پولس به ما یادآوری می کند. "آیا شما با مسیح ارتباط دارید؟" او می پرسد و شما خاموش هستید. سپس مسیح بلند شد و شما می توانید تقاضای خود را برای عدالت به پایان رسانید! شما هم چنین از طریق خدا دیده می شوید! بله، پس شما کاملاً آرام باشید، زیرا شما آزاد هستید! تو معصوم هستی تو عشق داری. اگر ما به مسیح ایمان داشته باشیم، هر دلیلی داریم که تبدیل به همان چیزی شویم که پولس ما را می بیند: 3 هیچ عملی را از روی هم چشمی و خودخواهی انجام ندهید، بلکه با فروتنی، دیگران را از خود بهتر بدانید چنین ایمانی نه تنها عمیق در قلب من دفن می شود، بلکه در ارتباط با همسایه باقی می ماند. ایمان شخصی به قلبهای ما، در تمرین عشق و شرافت، بیان می شود: بنابراین ما در کلیسا زندگی می کنیم: یکی برای دیگری. و همه برای دیگران اهمیت دارند. این یک هنر والا است که خدا می خواهد به ما بدهد. خداوند به ما قلب می دهد و ما را در این جامعه قرار می دهد و خواهان هماهنگی و عشق است. آمین